

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبا هنگ راد
۲۹.۰۶.۱۰

به یاد حمید اشرف و دیگر یارانش



آخرین عکس حمید اشرف

که در سال ۱۳۵۴ بدست ساواک افتاد

هشتم تیرماه [سرطان] هزار و سیصد و پنجاه و پنج، گله‌های رژیم شاهنشاهی در حمله‌ای سازمانیافته به یکی از خانه‌های تیمی چریک‌های فدائی خلق و طی ساعت‌ها تیر اندازی جان رفقاء حمید اشرف، یوسف قانع خشک‌بیجاری، غلام‌رضا مهربانی، محمدرضا یثربی، فاطمه حسینی‌ابرده، محمدحسین حق‌نواز، طاهره خرم، عسکر حسینی‌ابرده، محمدمهدی فوقانی، علی‌اکبر وزیری و غلام‌علی خراطپور را گرفتند. بی‌گمان تعرض به کمونیست‌ها، انقلابیون و توده‌های محروم از جانب ساواک این ارگان مخوف رژیم سلطنتی صرفاً به این روز خلاصه نمی‌گردد و روزها و ماه‌های فراوانی را می‌توان در پرونده این نظام ددمنش یافت که در آن از شکنجه و کشت و کشتار کارگران و زحمت‌کشان و نیروهای کمونیست و مبارز است.

شاه این عنصر گوش به فرمان امپریالیست‌ها بر این تصور واهی بود که با تعرض به جان و مال توده‌ها و فرزندانش می‌تواند تا ابد بر اریکه قدرت تکیه زند؛ بر این تصور خیالی بود که با بگیر و ببندهای فله‌ای و با مثله نمودن بدن کمونیست‌ها و با یورش گله‌ای و مسلحانه به خانه‌های تیمی، می‌تواند مانع نشر آگاهی درون جنبش‌های اعتراضی گردد؛ در این خام اندیشی غوطه‌ور بود که می‌تواند صدای انقلاب را با زور و گلوله خفه نماید. اما تحركات کمونیست‌ها و انقلابیون در دوران خفقا شاهنشاهی همه معادلات تلنبار شده در ذهن جانیان بشریت را در هم ریخت و نغمه‌ای در خلاف تصورات و آرمان‌های سودجویانه سرمایه‌داران وابسته نواخت. شاه همه سعی خود را به کار بست تا آتش بر افروخته شده مبارزه مسلحانه را خاموش نماید. سازمان پولیسی خود را گسترده‌تر نمود و

بر هزینه‌های ارگان‌های مسلح افزود تا مبادا، پایه‌های حاکمیتش با خطرات جدی مواجه گردد. بر استثمار کارگران و زحمت‌کشان شدت بخشید تا بر "جزیره ثبات و آرامش" ظالمان خدشه‌ای وارد نگردد. در بستر چنین دورانی "حمید اشرف" به همراه دیگر یارانش پای به میدان مبارزه عملی گذاشتند و جنگی را علیه ضد انقلابیون حاکم و مسلح سازمان دادند که در مدتی کوتاه به نقطه امید توده‌های محروم تبدیل گشت.

در حقیقت زنگ مبارزه جدی و عملی در ایران با شلیک مسلسل‌های چریک‌های فدائی خلق ایران در سیاهکل نواخته شد و به دنبال آن فضای جامعه تغییر یافت و افسانه قدر قدرتی رژیم را در هم شکست. ترس و واهمه مزدوران صد چندان گردید و دشمن بر خانه گردی‌ها و گشت‌های خیابانی خود برای به دام انداختن کمونیست‌ها و مبارزان افزود. از یکسو ارگان‌های سرکوبگر نظام پهلوی بر شدت و منکوب نمودن مبارزات عملی کمونیست‌ها افزودند و از سوی دیگر جنبش کمونیستی و روشنفکری راه مقابله با قهر ضد انقلابی را در قهر انقلابی جست. در چنین دورانی بود که تعرض و فداکاری جای‌گزین عقب‌نشینی و تسلیم گردید و هر روزه عناصر و نیروهای تازه‌ای با الهام از مبارزه مسلحانه حمید اشرف و دیگر یارانش، سینه دشمنان کارگران و زحمت‌کشان را نشانه می‌گرفتند.

به بیانی جنگ طبقاتی در درون جامعه شکل دیگری به خود گرفت و پاسخ انقلاب به ضد انقلاب مسلح، در تعرض مسلحانه کمونیست‌ها تعریف گردید؛ کمونیست‌هایی که خلاف مشاطه‌گران و روشنفکران بی‌عمل و حراف، راه تعرض به نیروهای مسلح دشمن را در پیش گرفتند تا به وظایف کمونیستی خویش جامه عمل بپوشانند. رژیم پهلوی هم در این میان همه هم و غمش بر آن بود تا تعرض نیروهای مسلح کمونیستی و انقلابی را در هم شکند. به همین دلیل به هر سوراخ و سنبه‌ای سرک می‌کشید و به شکار جوانان، کمونیست‌ها و مخالفان خود می‌پرداخت. همه تلاشش بر آن بود تا فضای ترس و ناامیدی را با سرکوب عریان و خشن که جزء ذاتی نظام‌های وابسته به امپریالیسم است، بر جامعه باز گرداند. دستگیری‌های فله‌ای و روانه کمونیست‌ها و مخالفان به شکنجه‌گاه‌های سلطنتی هر روزه دامنه گسترده‌تری به خود می‌گرفت و زندان‌ها به میدان دیگری از جنگ نابرابر طبقاتی تبدیل گشت.

واضح است که دشمنان کارگران و زحمت‌کشان همواره سعی و تلاش‌شان بر آن است تا با توسل جستن به ابزارهای متفاوت، جنبش‌های انقلابی و اعتراضی را منکوب نمایند و روحیه ترس و تسلیم طلبی را در میادین متفاوت حاکم گردانند. سیاستی که سه دهه در سر لوحه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است؛ سیاستی که دنباله سیاست‌های ارتجاعی و سرکوب‌گرایانه رژیم پهلوی است. مشاهده شده است که سرکوب عریان و عنان گسیخته و پایمال نمودن حقوق پایه‌ای کارگران و زحمت‌کشان، پایه‌های این دو نظام را شکل داده و می‌دهد و این نظام‌ها کاری به منفعت و مطالبات رنج‌دیدگان نداشته و ندارند. نشان داده‌اند که این نظام‌ها – علی‌رغم اشکال متفاوت حکومتی – از آبخشور واحدی تغذیه نموده و می‌نمایند که با آرمان‌های میلیون‌ها انسان محروم در تضاد قرار دارد. گشتار بی‌وقفه کارگران و زحمت‌کشان و به یغما بردن ته‌مانده‌های آنان، شکنجه و مثله نمودن بدن کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان در درون زندان‌های مخوف و در درون جامعه، توهین و تحقیر به زنان و گسترش فقر، فلاکت و بدبختی، حاصل سیاست‌های ضد انقلابی نظام‌های شاهنشاهی و جمهوری اسلامی بوده و می‌باشد.

در پرتو چنین کارکردهای ارتجاعی و واقعیاتی جای دارد تا در سال‌گرد جانباختن رفقای هشت تیر هزار و سیصد و پنجاه و پنج بر این نکته اشاره گردد که رژیم پهلوی به همان اندازه در نزد آزادی‌خواهان و کارگران و زحمت‌کشان منفور بود که رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. در عمل به اثبات رسیده است که این دو نظام از آرمان واحدی پیروی نموده و می‌نمایند و جایی در افکار توده‌های محروم ندارند. به اثبات رسیده است که اینان دشمنان قسم خورده مردم

محروماند و مراودت و مدارا با آنان چیزی جز پشت پا زدن به آرمان‌های والای کارگران و زحمت‌کشان و کمونیست‌های عمل‌گرایی همچون "حمید اشرف" و دیگر یارانش نیست. بنابر این والاترین گرامیداشت از "حمید اشرف" و دیگر یارانش و همه کمونیست‌ها و آزادی‌خواهانی که جان خود را وثیقه انقلاب رهائیبخش خلق‌های ایران نمودند، استواری و پایبندی فکری – عملی از افکار انقلابی‌شان و به تبع از آن خط فاصل کشیدن عملی با همه مدافعان بی چون و چرای نظام‌های شاهنشاهی و جمهوری اسلامی آن‌هم با هر رنگ و لباسی‌ست.

امروزه سرکوب‌گران و مدافعین این دو نظام ارتجاعی که بدلیل مصلحت‌های درازمدت سرمایه و بدلیل پس زدن‌شان توسط جناح‌های رقیب دولتی – حکومتی، تغییر چهره داده‌اند و ، قیافه دفاع از دموکراسی و محترم شمردن به حقوق مردمی را به خود می‌گیرند؛ مزدورانه دارند از وجود شکنجه و اعدام در درون زندان‌ها سخن می‌گویند. همان زندان‌هایی که خود از حافظانش بودند و بدن هزاران تن از کمونیست‌ها و مبارزان را مثله نمودند و جان هزاران تن دیگر را گرفتند. فراموش نشده است که چگونه این جانیان در دوران زمامداری‌شان سینه هزاران کمونیست و آزادی‌خواهانی همچون "حمید اشرف" را مورد اصابت گلوله‌های سرمایه‌داران قرار دادند. در حقیقت و در یک کلام باید گفت که آرمان سرمایه، آرمان تعرض به محرومان است؛ آرمانی‌ست که دره عمیقی با آرمان میلیون‌ها انسان زحمت‌کش فاصله دارد. بی دلیل نبود که آن رفقاء و دیگر کمونیست‌ها به مقابله با جانیان بشریت برخاستند و در این راه جان خود را از دست دادند.

یادشان و یاد همه جانب‌اختگان راه رهائی گرامی باد!

۷ تیر [سرطان] ۱۳۸۹

۲۸ جون ۲۰۱۰